



The Analysis of the Concept, Position, and Scientific Validity of Imagination in Future Studies, from the Perspective of Western Philosophers and Futurists

Ebrahim Ejabi¹, Khalil Koulivand^{2,*}, Fatemeh Zahra Gilaninejad³

¹ Assistant Professor, Department of Futures Studies, Faculty of Social Sciences, Command and Staff University, Tehran, Iran.

² MSc. Student, Department of Defensive Futures Studies, Faculty of Social Studies, Command and Staff University, Tehran, Iran.

³ PhD in Futures Studies, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Article Info ABSTRACT

Article type:

Research
Article

Received:

22/09/2022

Accepted:

05/12/2022

The concept of imagination in future studies knowledge affects many of our forward-thinking thoughts and decisions about future developments and can expand the scope of our vision and action towards the future. According to the importance and role of this concept, in this paper, we reviewed the concept, position and scientific validity of imagination in the futures studies, from the perspective of western philosophers and futurists. This research is a descriptive research. The data were collected in a documentary and library method and then, with an analytical-critical approach, the concept of imagination has been investigated. The results of the research showed that the images of the future from the perspective of discovery are divided into three categories, including "images based on the extrapolation of current and past trends (experimental)", "images based on logical analyzes (rational)" and "images based on imagination, intuition, values and inner spirituality" are divided. According to the surveys conducted by Western philosophers and futurists, the scientific validity of the first two categories was confirmed, but the third category, since they lack scientific validity, can only be valuable in the "position of production" and discovering creative propositions about the future.

Keywords: Futures Studies, Scientific validity, Vision, conceptualization, imagination.

Cite this article: Ejabi, Ebrahim; Koulivand, Khalil & Gilaninejad, Fatemeh Zahra (2022). The analysis of the concept, position and scientific validity of imagination in the futures studies, from the perspective of western philosophers and futurists. *The Quarterly Journal of Western Philosophy*. Vol. 1, No. 3, pp. 37-58.

DOI: 10.30479/wp.2022.17890.1025

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



* Corresponding Author; E-mail: zflower2010@gmail.com



فصلنامه

فلسفه غرب

سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

شاپا چاپی: ۱۱۶۴-۲۸۲۱

شاپا الکترونیک: ۱۱۵۴-۲۸۲۱



واکاوی مفهوم، جایگاه و اعتبار علمی تصویرپردازی در آینده‌پژوهی

از منظر آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی

ابراهیم ایجابی^۱، خلیل کولیوند^۲،* فاطمه‌زهره گیلانی‌نژاد^۳

^۱ استادیار گروه آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا، تهران، ایران.

^۳ دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش:

۱۴۰۱/۰۹/۱۴

مفهوم تصویرپردازی در دانش آینده‌پژوهی، با تحت تأثیر قرار دادن بسیاری از افکار آینده‌اندیشانه و تصمیم‌گیری‌های ما درباره تحولات آتی، می‌تواند دامنهٔ بیش و کنش ما نسبت به آینده را توسعه دهد. با توجه به اهمیت و نقش این مفهوم، در این مقاله به بررسی مفهوم، جایگاه و اعتبار علمی تصویرپردازی در آینده‌پژوهی، از منظر آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی پرداخته شده است. این پژوهش از نوع توصیفی است، نخست داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شد و سپس با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی مفهوم تصویرپردازی پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تصاویر آینده از منظر کشف، به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ شامل «تصاویر مبتنی بر تعمیم روندهای حال و گذشته (تجربه‌گرایانه)»، «تصاویر مبتنی بر تحلیل‌های عقلی و منطقی (عقل‌گرایانه)» و «تصاویر مبتنی بر تخیل، شهود، ارزش‌ها و معنویات درونی». با بررسی‌های انجام شده از نظر فلاسفه و آینده‌پژوهان غربی، وجاهت علمی دو دسته اول مورد تأیید قرار گرفت، اما دسته سوم فاقد وجاهت علمی‌اند و تنها می‌توانند در «مقام تولید» و کشف گزاره‌هایی خلاقانه در مورد آینده، ارزشمند باشند.

کلمات کلیدی: آینده‌پژوهی، اعتبار علمی، تصویرپردازی، چشم‌انداز، مفهوم.

استاد: ایجابی، ابراهیم؛ کولیوند، خلیل؛ گیلانی‌نژاد، فاطمه‌زهره (۱۴۰۱). «واکاوی مفهوم، جایگاه و اعتبار علمی تصویرپردازی

در آینده‌پژوهی از منظر آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی»، *فصلنامه فلسفه غرب*، سال اول، شماره سوم، ص ۳۷-۵۸.

DOI : 10.30479/wp.2022.17890.1025



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف © نویسندگان.

* نویسندهٔ مسئول؛ نشانی پست الکترونیک: K.koulivand@casu.ac.ir

مقدمه

برای اینکه بتوانیم جهانی پایدارتر، عادلانه و صلح‌آمیز ایجاد کنیم، باید بتوانیم جهانی را که می‌خواهیم در آن زندگی کنیم، به‌تصویر بکشیم و آگاهانه تصاویری از چنین جهانی ایجاد کنیم. بدون این تصویر واضح بیان‌شده، ادامه حرکت رو به جلو و پیشرفت در مسیر مثبت، برای ما بسیار دشوار است. هدف آینده‌پژوهی باید کمک به افراد برای تصور آینده بهتر از طریق آموزش دادن تفکر انتقادی‌تر، کامل‌تر و شاید مهم‌تر از همه، در مورد آینده‌های ممکن،^۱ محتمل،^۲ ترجیحی (مرجح)^۳ و شگفتی‌ساز^۴ خلاقانه باشد (Bodinet, 2016: 172-179).

در آینده‌پژوهی از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی استفاده می‌شود. یکی از مراحل مهم فرایند آینده‌نگاری، ترسیم چشم‌انداز است. چشم‌انداز چه در سطح فردی، چه سازمانی و چه در سطح جامعه، آینده‌ای جذاب، مطلوب و باورکردنی را برای افراد به‌تصویر می‌کشد. روش تصویرپردازی نیز یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که در چشم‌اندازسازی به‌کار می‌آید (Bussey, 2014: 1-16).

آینده‌پژوهان مدت‌هاست استدلال کرده‌اند که آینده‌پژوهی مطالعه آینده نیست و آینده‌پژوهان افرادی نیستند که آینده را پیش‌بینی می‌کنند. در عوض، آینده‌پژوهان تصاویر افراد از آینده را مطالعه می‌کنند و به افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند یاد بگیرند که با بهره‌گیری از تصاویر، آگاه‌تر شوند و آینده‌های ممکن، محتمل، مرجح و شگفتی‌ساز را پیش‌بینی کنند (Dator, 2016: 73).

تصاویر آینده به‌عنوان ابزارهای طراحی برای ساخت گزینه‌های ممکن، محتمل یا مطلوب، به‌منظور تعریف هدف‌ها و راهبردهایی برای واکنش‌ها و سیاست اجتماعی استفاده می‌شوند و چالش اصلی، یافتن سطحی مناسب از انتزاع برای خلق تصاویر آینده است (Tuomas & Irene, 2015: 366-374).

تصاویر آینده از ماهیتی نظام‌مند برخوردارند؛ این تصاویر مبتنی بر دانش شکل می‌گیرند، با تخیل آراسته می‌شوند و با کاربست اطلاعات گذشته، ادراکات حال، دانش فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌ها، نیازها و انتظارات از کارکردها و مکانیسم‌های موجود شکل می‌یابند و تصاویر آینده در قالب امیدها، بیم‌ها و انتظارات ظهور می‌کنند؛ از این‌رو، بر تصمیمات، انتخاب‌ها، رفتارها و اقدامات تأثیر می‌گذارند. تأثیر فزاینده این تصاویر بر انگیزش انسانی نیز در همین مسئله نهفته است: با اتخاذ تصمیمات کنشگرانه، تلاش‌های بشری به محقق‌سازی تصویر مثبت و مطلوب از آینده یا پیشگیری از تحقق آینده منفی و نامطلوب، معطوف می‌گردد (Rubin, 2013: 38-44).

در همین راستا و در فرایند تصویرپردازی و شکل‌بخشی آینده است که جایگاه آینده‌پژوهی به‌عنوان یک دانش اجتماعی، عمل‌گرا، وحدت‌آفرین و فرارشته‌ای و جایگاه آینده‌پژوه به‌عنوان کنش‌گر، طراح، معمار و ارزیاب اجتماعی، نمایان می‌گردد. به‌عبارت دیگر، مطالعه و بررسی تصاویر آینده، تصویرسازی از آینده، ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن، و تلفیق دانش و ارزش برای طراحی اقدام اجتماعی به‌منظور تحقق

تصویر مطلوب و پیشگیری از وقوع تصویر نامطلوب، در کانون اهداف و وظایف آینده‌پژوهی و آینده‌پژوه قرار دارد (Grindle, 2017: 17-18).

آینده‌های بدیل را می‌توان با تصاویر مفهومی آینده بررسی و پردازش کرد. تصاویر آینده بر اساس نظر فرد بولاک (Son, 2014: 1-14) «پیش‌بینی‌های سیستماتیک به سمت آینده» هستند که تحت تأثیر علم، مذهب و ارزش‌ها در بافت اجتماعی‌فرهنگی قرار دارند. آنها از طرفی ساختارهای ذهنی – شامل تصورات و ادراکات آینده‌گرا – را شامل می‌شوند و از طرفی، متأثر از مفروضات، باورها، مشاهدات و حقایق در مورد زمان حال هستند. بنابراین تصاویر آینده در برگیرنده عناصر واقعی و تخیلی هستند (Rubin, 2013; Idem, 1998). افزون بر این، تأثیر تصاویر آینده بر تصمیم‌گیری فرد، مطابق نظر روبین، می‌تواند هم آگاهانه باشد و هم ناخودآگاه (Idem, 2013: 38-44).

با توجه به توضیحات فوق و اهمیت مفهوم تصویرپردازی در دانش آینده‌پژوهی، پرداختن به چیستی این مفهوم می‌تواند حائز اهمیت باشد. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به چیستی این مفهوم است و در این راستا سعی دارد ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی و جایگاه تصویرپردازی در آینده‌پژوهی، به این پرسش نیز پاسخ دهد که تصویرپردازی اساساً چقدر علمی محسوب می‌شود؟ و از نظر مبانی فلسفه علم، گزاره‌های مستخرج از تصویرپردازی، چه جایگاهی دارند؟ با توجه به غربی بودن خاستگاه دانش آینده‌پژوهی، در این پژوهش، تحلیل‌ها با تمرکز، تکیه و استناد بر آراء آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی ارائه می‌گردد.

پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی در مورد تصویرهای آینده به‌زعم خود مطالبی نگاشته‌اند که به‌اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

– تصاویر تکنولوژیک جوانان از آینده: پیامدهایی برای آموزش علم و فناوری؛ «**یافته‌ها:** به‌طور کلی، فناوری نوین تأثیرات مختلفی بر جوامع و زندگی بشر داشته و دارد. درحالی‌که فناوری از برخی جهات «عصر دیجیتال» امروز را تعریف می‌کند، گفتمان‌های «پیشرفت فناوری» ممکن است بر بحث‌های فردا مسلط شوند. به‌نظر می‌رسد مفاهیم فناوری و آینده در هم تنیده شده‌اند، زیرا کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که فناوری ما را به نقطه‌ای بین مدینه فاضله و انقراض در عرض یک قرن، هدایت می‌کند. قابل درک است که امیدها و ترس‌های مربوط به فناوری نیز ممکن است بر تصاویر آینده نسل فعلی جوانان ما حاکم باشد (Rasa & Laherto, 2022).

– «لحظات گفتمانی: چارچوب مجدد بحث و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی چشم‌انداز آینده جایگزین»؛ **یافته‌ها:** برنامه‌ریزی چشم‌انداز آینده‌های جایگزین، تحقیقات علمی و یافته‌ها را در آینده‌های قابل قبول، ادغام می‌کند که این امر می‌تواند تصمیم‌گیری در مورد خط مشی عمومی را شکل دهد و اطلاع‌رسانی کند؛ این امر

جدا از تصمیم‌گیری سیاسی در مورد آینده‌های مطلوب یا قابل قبول اجتماعی است. مفهوم کلان چشم‌انداز، آینده دور از دسترس و مطلوب یک فرد، شرکت، جامعه یا یک شهر را شامل می‌شود. چشم‌انداز توسعه یعنی آرزوهایی برای آینده. چشم‌انداز کمک می‌کند جایگاه آینده را بهتر بشناسیم و از مزایا و فرصت‌هایی که در اختیارمان قرار می‌گیرد، بهره‌مند شویم. در واقع چشم‌انداز می‌تواند فردی، سازمانی یا مشترک باشد (Hoversten & Swaffield, 2019).

- «تصویر امروز: یادداشت‌هایی در مورد استفاده بین رشته‌ای از کارگاه چشم‌اندازسازی»؛ یافته‌ها: ظهور و سقوط تصاویر آینده مقدم یا همراه با ظهور و سقوط فرهنگ‌ها است. تا زمانی که تصویر جامعه، مثبت و شکوفا باشد، گل فرهنگ در شکوفایی کامل است. با این حال، هنگامی که تصویر شروع به پوسیدگی می‌کند و حیات خود را از دست می‌دهد، فرهنگ که از مهم‌ترین اصول آینده‌پژوهی است، مدت زیادی دوام نمی‌آورد. این مقاله، اهمیت و عملکرد آمیختن جوامع به توانایی ایجاد تصاویر مثبت آینده را بررسی می‌کند (Bodinet, 2018).

- «فلسفه تصویرپردازی»؛ یافته‌ها: انسان قبل از هر چیز دنیا را با دیدن و تصور آن، تجربه می‌کند. آنها می‌توانند با تأمل در شهودها و ایده‌های روشنگر به جهان و طبیعت خود نزدیک شوند. این‌ها حقایق آشکاری هستند که تا حدی توسط برخی از فیلسوفان (مثلاً توسط افلاطون) از دوران باستان ثبت شده‌اند. اما این حقایق، هرگز به سادگی و بی‌واسطه در مرکز گمانه‌زنی‌های عملی و نظری انسان‌ها قرار نگرفته‌اند. برعکس، تحقیقات اصلی فلسفی، بیش از هر چیز در عصر کنونی، بیش از پیش، به شدت کلامی شده است. یادداشت‌های موجود در این مقاله، تلاشی است برای تحریک ذهن فلسفی به مطالعه دقیق تصاویر، یعنی مطالعه تصاویر به‌عنوان تجربیات قابل مکان یا شبه مکان‌یابی؛ و حتی تصاویر به‌عنوان تجربیات قابل مکان یا شبه مکان‌یابی که اساس تجربیات غیرقابل مکان هستند (Negri, 2011).

- «خلاقیت، شکاکیت و چشم‌اندازسازی آینده»؛ وندل بل در این پژوهش، به ترسیم چشم‌انداز مراکز آینده‌پژوهی در دانشگاه‌ها و کالج‌های کنونی می‌پردازد و می‌گوید: اعضای فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی نه تنها اهداف حرفه‌ای معمول برای پیشرفت و توسعه رشته خود را به اشتراک می‌گذارند، بلکه تعهدی خارق‌العاده برای تصور و ایجاد دنیای آینده با آزادی و رفاه فزاینده انسان دارند. وی متذکر می‌شود که اگر آینده‌پژوهان بتوانند دوره‌های آینده‌پژوهی، دپارتمان‌ها و مراکز تحقیقاتی بیشتری نسبت به وضعیت کنونی در کالج‌ها و دانشگاه‌ها ایجاد کنند، هر دو هدف پیش می‌رود (Bell, 2005).

- «یادگیری از تصویر آینده جوانان»؛ اونو در این مقاله ضمن ارائه چارچوب نظری قابل توجه نسبت به چگونگی ساخت و فهم مفهوم تصاویر آینده استدلال می‌کند که تصویر فرد از آینده تعیین‌کننده نگرش او نسبت به آینده و چگونگی رفتار او در حال حاضر است. این امر به‌نوبه خود می‌تواند احتمال ترک تصویر را همان‌گونه که در آینده تصور می‌شود، افزایش دهد (Ono, 2003).

«ارزش تصویرها در درک آینده»؛ یافته‌ها: مردم می‌توانند بسته به میزان آینده‌گرایی خود، اهمیت و مطلوبیت تصاویر از آینده را به روشنی تخمین بزنند (Adelson & Aroni, 1975).

تصویر آینده؛ نویسنده در این کتاب می‌گوید: جوامع در راستای تصاویر آینده خود گام برمی‌دارند و این تصویرپردازی ذهنی، جوامع را از بُعد روحی و معنوی توانمند می‌سازد؛ تنها امید برای تجدید حیات فرهنگی در غرب متکی بر برافروختن مجدد تصویرپردازی اجتماعی است. تصاویر ممکن از آینده، لازم است با گام‌های کوچک، قابل فهم و قابل مدیریت، شکسته شوند تا مردم در هر کجا آنها را پذیرفته و از خود بدانند. در نهایت، آینده توسط تصویری که عالی‌ترین قدرت روحی و معنوی را حمل می‌کند، به خوبی ساخته خواهد شد. از نظر وی، مطالعه فراز و فرود فرهنگ‌ها، نقش شایانی در ساخت یک تصویر از آینده دارد؛ تا زمانی که تصویر یک جامعه مثبت و بالنده باشد، گل فرهنگ، شکوفاست، اما زمانی که تصویر رو به انحطاط باشد و نشاط خود را از دست بدهد، فرهنگ زمان زیادی دوام نخواهد آورد. اگرچه همه تجربیات متعلق به گذشته هستند، اما همه تصمیم‌گیری‌ها در مورد آینده‌اند، بنابراین وظیفه عمده دانش بشری این است که بر این شکاف پل زده و به جستجوی الگوهایی در گذشته اهتمام ورزد که می‌توان آنها را به‌عنوان تصاویر واقع‌گرایانه بر آینده بازتاب داد (Polak, 1973).

برای پژوهش حاضر شمار قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌ها، پروژه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع تصاویر آینده، مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد سه رویکرد کلی در پژوهش‌های مبتنی بر تصویرپردازی، وجود دارد:

- ۱- در اکثر پژوهش‌ها، تصاویر آینده معادل با سناریوهای آینده در نظر گرفته شده‌اند، با این تفاوت که از اصول و روش‌های رایج سناریوپردازی استفاده نشده است.
- ۲- در برخی مقالات بر «تصویرپردازی از چشم‌انداز» تأکید شده است که این پژوهش‌ها اکثراً در سطح سازمانی انجام شده‌اند.
- ۳- در سایر مقالات و پروژه‌ها نیز از تصویرپردازی صرفاً در راستای سناریوی مطلوب، آینده مطلوب یا آرمان‌شهر استفاده شده است.

بحث و بررسی

۱. تعریف و جایگاه تصویرپردازی در آینده‌پژوهی از منظر آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی

در دانش‌نامه آکسفورد، سه معنای رایج برای تصویر^۵ آمده است: عکسی از شیء یا موجود زنده که توسط ابزاری مثل دوربین عکاسی گرفته می‌شود؛ تجسمی ذهنی از یک واقعیت بیرونی؛ ایده‌ای که مردم در مورد افراد و اشیاء دارند.

این معانی باعث شده است تا مفهوم تصویر، گاهی در کنار مفاهیمی همچون ایده^۶، مدل^۷، نظریه^۸ و

استعاره^۹ به کار برده شود. اما تفاوت‌های بارزی میان این مفاهیم وجود دارد. در هر صورت، آنچه از تصویر در این نوشتار مد نظر است، معنای دوم است؛ تصویر به معنای تجسمی ذهنی از یک واقعیت بیرونی است که متناسب با توانایی‌های ذهنی، شکل می‌گیرد.

تصویرپردازی‌های ذهنی بالاتر از یافته‌های تجربی‌اند. در واقع، یافته‌های تجربی نظیر نظریه انتخاب طبیعی داروین، نظریه نسبیت انیشتین و... همگی از یک تصویر و خیالپردازی ذهنی آغاز شده‌اند (نقدی بر پوزیتیویسم). احتمالاً این گفته انیشتین بر همین موضوع دلالت دارد: «خیالپردازی مهم‌تر از دانش است» (Astrid et al, 2022).

در روش تصویرپردازی در مطالعات آینده‌پژوهی، منظور از تصویر، تصویر کلامی است. در تصویر کلامی، جنبه خاصی از کلام مد نظر قرار می‌گیرد و سایر جنبه‌ها حذف می‌شوند. تصویر یک گزاره مستدل نیست، بلکه به موضوعی مهم اشاره دارد یا از آن خبر می‌دهد و بخش زیادی از تفسیر را بر عهده خواننده (مخاطب) می‌گذارد.

نکته‌ای قابل تأمل در گزارش آینده‌نگاری منتشر شده توسط مرکز جهانی برای تعالی خدمات عمومی^{۱۰} در سال ۲۰۱۴ وجود دارد؛ این پژوهش خیالپردازی^{۱۱} تصویرپردازی^{۱۲} و چشم‌اندازپردازی^{۱۳} را مربوط به حوزه آینده‌پژوهی می‌داند، نه آینده‌نگاری؛ هرچند بیان می‌کند که آینده‌نگاری از نتایج آنها بهره می‌برد. در این گزارش اشاره شده است که چشم‌انداز یک تصویر ثابت از آینده است، درحالی‌که آینده‌نگاری یک فرایند در حال جریان است.

وندل بل که یکی از بزرگترین آینده‌پژوهان غربی به‌شمار می‌آید، معتقد است از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهشی آینده‌پژوهان این است که: «تصاویر آینده چه ماهیتی دارند؟ علل پیدایش آنها چیست؟ هر یک چه پیامدهایی دارند؟» (Bell, 2004). تصاویر آینده در هدایت رفتار بشر، عاملی مهم به‌شمار می‌آیند؛ این تصاویر با هدایت رفتار بشر - خواه تنها انطباقی باشد و خواه کنترلی - در شکل‌گیری آینده پیش رو نقش دارند. افزون بر این، تصاویر آینده به‌دلیل فراهم‌سازی اهداف و انگیزه‌های لازم، نقشی مهم در طراحی اقدامات اجتماعی دارند (Ibid: 86).

رابین معتقد است تصاویر آینده از ظرفیت تأثیرگذاری بر زندگی و سرنوشت بشری برخوردارند. تصاویر آینده از ماهیتی نظام‌مند برخوردارند؛ این تصاویر مبتنی بر دانش شکل می‌یابند و با تخیل، آراسته می‌شوند. این تصاویر با کاربست اطلاعات گذشته، ادراکات حال، دانش فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌ها، نیازها و انتظارات از کارکردها و مکانیسم‌های موجود، شکل می‌یابند. تصاویر آینده در قالب امیدها، بیم‌ها و انتظارات ظهور می‌یابند و از این رو، بر تصمیمات، انتخاب‌ها، رفتارها و اقدامات تأثیر می‌گذارند. تأثیر فزاینده این تصاویر بر انگیزش انسانی نیز در همین مسئله نهفته است (Rubin, 2013: 540).

دیتور می‌گوید: «آینده‌پژوهان به تعریف و فهم تصاویر متفاوت آینده علاقه‌مندند. گروه‌های گوناگون

مردم، تصاویر متفاوتی از آینده دارند، در نتیجه رفتارها و واکنش‌های متفاوتی در زمان حال بروز می‌دهند و همین رفتارهای خاص در زمان حال، منجر به شکل‌گیری تصاویر متفاوت از آینده می‌شود» (Dator, 2016: 1-30). او در جای دیگر می‌گوید: بر اساس نظریه «عوامل شکل‌دهنده آینده»، آینده محصول تأثیر و برهم‌کنش متقابل و متعامل چهار مؤلفه «رویدادها»،^{۱۴} روندها،^{۱۵} تصاویر و اقدامات^{۱۶} به‌شمار می‌رود، که از این میان، تصاویر به‌علت قابلیت تأثیرگذاری فزاینده بر آینده و سرنوشت بشری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (Jokinen et al., 2022).

ون در هلم،^{۱۷} تصویرپردازی را یک پدیده (در مفهوم اصلی آن، به‌عنوان «پدیدار») می‌انگارد تا یک نظریه. ماسینی^{۱۸} کاربر است آرمان‌شهرها را به‌عنوان شیوه‌ای باز می‌شناسد که آینده‌پژوهی از طریق آن، به فهم درهم‌تنیدگی‌های بین انسانیت، جامعه و محیط زیست، مبادرت می‌ورزد. وی آن را رویکرد تصویرپردازها می‌نامد (Neuvonen & Ache, 2017: 73-83). دیتور معتقد است ما از طریق خلق تصویری از آینده، در پی تغییر آن هستیم. او از پولاک نقل می‌کند که «آینده نه تنها باید تصور شود، بلکه باید خلق شود». گالتونگ،^{۱۹} بر این موضوع تأکید دارد که اتخاذ تصویر موجه از آینده، ابزاری قدرتمند برای تغییر است (Sliuzas, 2015: 223-224).

هرچند برخی تصویر و چشم‌انداز را با آرمان‌شهر یکسان انگاشته‌اند، اما این دو با هم تفاوت‌هایی دارند؛ از جمله اینکه آرمان‌شهر در پی بهترین جهان‌های ناممکن است (Sardar, 2014) و آنجاست که ماسینی آرمان‌شهر را یک «رؤیای اجتماعی» قلمداد می‌کند (Masini, 2002). در واقع، آرمان‌شهر، جریان تغییرات هدف‌مند حاصل از انطباق با خط‌مشی‌های فراگیر را تصویر می‌کند. اما تصویرپردازی آینده‌ای را نمایش می‌دهد که ایده‌آل است (Cecilia, 2015). وظیفه اصلی جامعه آینده‌پژوهی، جلب توجه فردی و جمعی از کمک به حفظ الگوها و ساختارهای منسوخ عصر صنعتی و حرکت به سمت تصویرسازی و طراحی بنیان‌های ساختاری سطح بعدی تمدن انسان است (Slaughter, 2002: 362-363).

در این میان، برخی آینده‌پژوهان غربی، هدف خود را تصویرهای فراگیری می‌دانند که از مؤلفه‌های متعالی نیز برخوردار باشند؛ تصویرهای خلاقانه و اندیشمندانه از جامعه‌ای متفاوت و کامل، بدون کاستی و تناقض‌های موجود کنونی و آینده‌هایی گسسته که پیدایش جهانی تازه و متفاوت را پیش‌بینی می‌کنند. این گروه از آینده‌پژوهان، می‌خواهند کاستی‌های کنونی، تنگناهای امروزی درک بشری و نیز محدودیت‌های تجارب پیشین را درنوردند و از آنها فراتر بروند. در این مسیر، ناشناخته‌ها به‌مثابه واقعیت‌های آینده تعریف و انگاشته می‌شوند و گاه، حتی تغییرات اجتماعی بنیادین نیز مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند. این‌ها همان تصاویری هستند که می‌توانند مردم را برای اتخاذ و انجام اقداماتی در راستای تغییر جهان برانگیزانند (Bell, 2004: 96).

یکی از روش‌هایی که بیشترین تأثیر را در تصویرسازی دارد، کارگاه آینده است که در اصل توسط آینده‌پژوه غربی و یکی از بنیان‌گذاران فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی، رابرت جونگک^{۲۰} ایجاد شده است.

کارگاه آینده فقط یک راه است. این کار به مردم در توسعه و ترسیم ایده‌ها و پروژه‌های خلاقانه برای جامعه بهتر کمک می‌کند. ضروری است که مردم بدانند برای رسیدن به چه تصویر و چشم‌اندازی می‌جنگند، نه فقط آن چیزی که آنها علیه آن مبارزه می‌کنند (Bodinet, 2016: 179-172). بولدینگ^{۲۱} ابزاری آینده‌نگر به نام «پس‌نگری»^{۲۲} را توسعه داد؛ به این صورت که شرکت‌کنندگان در کارگاه، تصویری واضح از آینده خود ایجاد می‌کنند و به‌وضوح بیان می‌کنند که کارها در آن آینده چگونه انجام می‌شود، سپس در تمام طول مسیر از آینده خود، سه، پنج یا هفت سال به عقب بر می‌گردند تا به زمان حال برسند و این‌گونه برای خود تصویرپردازی می‌کنند (Ibid).

لاتام^{۲۳} معتقد است فرایند تصویرآفرینی به‌منظور ساختار بخشیدن به مفهوم، فارغ از خلق تصویر طراحی شده است. لینگرن^{۲۴} و بندهلد^{۲۵} تصویرپردازی را برایندی به‌شدت مطلوب از آینده می‌دانند؛ مانند رویایی که با تمام وجود می‌خواهیم در آینده نزدیک به حقیقت بدل شود. به‌زعم این‌دو، تصویرپردازی ارتباط بسیار نزدیکی با احساسات و عواطف ما دارد و ما را به عمیق‌ترین آرزوهای مان ارتباط می‌دهد (Munroe, 2003).

تصویرپردازی یکی از خلاقانه‌ترین روش‌ها در آینده‌پژوهی است. تصویرپردازی با خیال‌پردازی آغاز می‌شود، این تخیل ریشه در اکتشافات شهودی ما و حتی ریشه در روندهای موجود دارد؛ یعنی صرفاً یک موضوع انتزاعی به شمار نمی‌آید، بلکه ریشه آن در واقعیت است. در بُعد اجتماعی، تصاویر آینده نقشی مهم در تغییرات اجتماعی داشته و با مقوله فرهنگ نزدیکی زیادی دارد. با تصویرپردازی از آینده می‌توان به تغییر سبک زندگی، جابه‌جایی اولویت‌های زندگی، نوع روابط اجتماعی و تاحدی، غلبه بر سنن و عادات مرسوم جامعه امید داشت. این موضوع با نظریه ساختارگرایی^{۲۶} آنتونی گیدنز^{۲۷} از فلاسفه غربی نیز قابل بررسی است. تصاویر آینده به شکل‌گیری اقدامات تاریخی افراد کمک می‌کنند، به‌همین دلیل در مطالعات آینده باید مورد توجه قرار گیرند. بولدینگ نظریه‌ای سیاسی مطرح کرد که بر اساس آن، جوامع در تلاش‌اند تصویرپردازی کنند و به آینده مطلوب خود متعهد باشند. بنابراین، پس از تصور آنچه می‌خواهند، به‌دنبال راهبردهایی هستند که آن آینده مطلوب (تصویر یا رؤیا) را به واقعیت برسانند. این تلاش‌ها، امیدهایی برای تغییر آینده‌اند، چراکه درواقع، تصاویر آینده پیش‌بینی نمی‌شوند، بلکه ساخته می‌شوند. مشارکت جامعه در ساخت آینده، علاوه بر اینکه آنها را باورپذیرتر می‌سازد، انگیزه لازم را برای تلاش جمعی نیز ایجاد می‌کند (Morgan, 2015: 106-119).

چشم‌اندازها در مقایسه با انواع دیگر تصاویر، از قدمت بیشتری برخوردارند. هیل برنر^{۲۸} معتقد است «چشم‌اندازها، نوعی دل‌خوشی برای هر یک از اعضاء جمع در برابر مقصد پیش‌بینی‌پذیر بدیهی، که همان مرگ است، ارائه می‌کنند.» درحالی‌که چشم‌اندازهای پس از مرگ (چشم‌اندازهای پس از این‌جهانی در دسته‌بندی پولاک)، در طول تاریخ از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند، امروزه چشم‌اندازهای آینده عمدتاً به

درون‌مایه‌های سکولار ارجاع دارند. وی دو مسیر را برای غلبه بر ناشناخته‌ها معرفی می‌کند؛ مسیر مذهبی که یاری یک منجی را به بشر ارائه می‌کند، و مسیر سکولار که کیمیای فلسفه را پیشنهاد می‌دهد. حاصل، دو تصویر موازی از آینده است؛ یکی آخرالزمانی و دیگری آرمان‌شهری. پولاک می‌گوید: «مدرنیته چشم‌اندازهای عرفانی از آینده را به‌نحو گسترده تحت تأثیر قرار داد و آنها را با چشم‌اندازهای این‌جهان جایگزین کرد» (Polak, 1973).

در وصف چشم‌انداز جمعی، بیان چارلز هندی^{۲۹} رهگشاست: «ما نمی‌توانیم در انتظار چشم‌اندازهای معظم انسان‌های بزرگ باقی بمانیم، چراکه آنها سهم ناچیزی از پایان تاریخ دارند؛ این بر عهده ماست که شعله‌های کوچک خود را در تاریکی روشن کنیم». در واقع، چشم‌اندازهای جمعی در یک گروه یا شبکه‌ای از کنشگران شکل می‌گیرد، که به‌منظور تمرکز بر موضوعی خاص، یا دست‌کم نیاز به رسیدگی به این موضوع، سازمان یافته‌اند. در اینجا، چشم‌انداز به‌طور فعالانه از طریق یک فرایند (گروهی) تعاملی توسعه داده می‌شود. به‌نوعی، یک چشم‌انداز جمعی خوب، تصویری مشترک از نتیجه مورد نظر یک جامعه (اجتماع) ارائه می‌دهد و آحاد آن جامعه را در راستای دست‌یابی به آن نتیجه، تحریک می‌کند تا اقدامات لازم را صورت دهند (Masini, 2012).

انواع عام چشم‌انداز در مبحث چشم‌انداز شهری که در موضوع شهرها و محلات به‌کار گرفته می‌شود، چیزی است که موجب تفاوت شهرها یا محلات می‌گردد. از سوی دیگر، از آنجاکه شهرها و محلاتی که با یکدیگر کاملاً مشابه و یکسان باشند، وجود ندارند، پس به‌تعداد شهرها و محلات موجود، چشم‌اندازهای متفاوت می‌تواند وجود داشته باشد. مثلاً، شهر آکسفورد «چشم‌انداز آموزشی-دانشگاهی»، سنگاپور «چشم‌انداز حمل و نقل»، نیویورک «چشم‌انداز تجاری-مالی»، مکه «چشم‌انداز مذهبی-زیارتی» و اصفهان «چشم‌انداز تاریخی-گردشگری» است.

لنون با بررسی نظریه‌های متضاد تخیل ارائه شده توسط هیوم و کانت، استدلال می‌کند که امر خیالی و تصویرپردازی، چیزی در تقابل با واقعیت نیست، بلکه همان قوه‌ای است که از طریق آن، جهان برای ما واقعی می‌شود. او سپس به رابطه آزاردهنده بین ادراک و تخیل می‌پردازد و با تکیه بر کانت، مرلوپونتی و سارتر، به بررسی برخی پرسش‌های اساسی می‌پردازد؛ مانند اینکه آیا تمایزی بین ادراک و تصور وجود دارد؟ رابطه بین تخیل و خلاقیت، و نقش بدن در ادراک و تخیل چیست؟ در اصل، رابطه بین تخیل و تصویرپردازی در چیست؟ لنون با استناد به اسپینوزا و کولریج،^{۳۰} استدلال می‌کند که دنیای خیالی به‌دور از قلمرو توهم، مستقیم‌ترین حالت ادراک ماست. او سپس نقشی را که تخیل در شکل‌گیری خود و جهان اجتماعی بازی می‌کند، وامی‌کاود. ویژگی منحصربه‌فردی که لنون مطرح می‌کند این است که سنت فلسفی اندیشیدن درباره تخیل، از کانت و هیوم گرفته تا استراوسون و جان مک‌داول،^{۳۱} را با آثار متفکران پدیدارشناس، روان‌کاوان، پساساختارگرایان و فمینیست‌هایی مانند

مرلوبونتی، مقایسه و تطبیق می‌کند. سارتر، لاکان،^{۳۲} کاستوریادیس،^{۳۳} ایریگاری،^{۳۴} گاتنز^{۳۵} و لوید^{۳۶} نیز این امر تخیل و تصویرپردازی را در زمینه پدیدارشناسی، فلسفه ادراک، نظریه اجتماعی، مطالعات فرهنگی و زیبایی‌شناسی ضروری می‌دانند (Lennon, 2015).

در نظر افلاطون چیزی که وجود دارد، قابل شناختن است، ولی آنچه به‌هیچ وجه وجود ندارد، به‌هیچ روی شناختنی نیست و از آنجاکه شناختن مربوط به «باشنده» است و نشناختن مربوط به «نباشنده»، پس باید برای آنچه میان باشنده و نباشنده قرار دارد، چیزی پیدا کنیم که حد وسطی میان شناختن و نشناختن باشد و آن چیز، پنداشت و تصور است که تصویر ما را از آنچه باید باشد، رقم می‌زند. تصاویر آینده از آن حیث که هستند، هم می‌توانند مبتنی بر اندیشه‌های پنداری باشند و هم متعلق به اندیشه‌های حقیقی. تصاویر آینده، یا حقیقی‌اند یا پنداری؛ حقیقی بودن به معنی ممکن بودن یا امکان تحقق است، نه لزوماً به معنی وجود داشتن، درحالی‌که اندیشه‌های منجر به خلق تصاویر توهمی از آینده خواهند شد که اصالت و دلالت فلسفی نخواهند داشت. این نمونه‌های آرمانی، در حقیقت همان تصاویر آینده هستند که در صورت اتکا بر دانش، تا امروز به حیات خود ادامه داده‌اند (Bertt, 1960).

انسان با حکاکی تصویرهایش از آینده، به استقبال چالش ناشناخته‌ها شتافته است (Polak, 1973: 9). نیاز و میل به دانستن در مورد آینده، ویژگی انسان است. انسان‌ها در طول تاریخ وسایل و ابزارهای گوناگونی ایجاد کرده‌اند تا به پیش‌بینی و شفاف‌شدن آینده کمک کنند. ما انسان‌ها در زندگی خود، تصاویری از آینده داریم و آنها را بهبود و رشد می‌دهیم، برخی فی‌نفسه بسیار شخصی‌اند، درحالی‌که سایرین، به‌وضوح جمعی بوده و با جامعه مشترک‌اند. برخی از این تصاویر در یک بخش خودآگاه عمل می‌کنند، درحالی‌که بقیه در سطحی ناخودآگاه بر تصمیم‌ها، انتخاب‌ها و پیش‌بینی‌های ما تأثیر می‌گذارند. گرچه برای ما ممکن نیست که بااطمینان چیزی از آینده بدانیم، اما فکر کردن در مورد آینده چیزی است که انسان به‌خاطر مدیریت کل زندگی و سازگاری فردی، می‌خواهد انجام دهد.

درک تصاویر آینده، مهم است، چون تصاویر آینده می‌توانند به مردم حسی از آگاهی و کنترل و همچنین اقدام به‌عنوان بخشی حیاتی و اثرگذار از یک نظام باور، را ببخشند. از سوی دیگر، ما به‌طور مداوم در حال تصمیم‌گیری هستیم؛ خودآگاه یا ناخودآگاه. هر تصمیم‌گیری چهار مرحله دارد: اطلاع‌یابی و آگاهی، طرح، انتخاب و پیاده‌سازی. وقتی شخصی آنچه را که باید درباره‌اش تصمیم بگیرد، تشخیص داد (مرحله بینش)، شروع به در نظر گرفتن تصمیم‌های چندگانه می‌کند (مرحله طرح)، بهترین تصمیم را انتخاب می‌کند (مرحله انتخاب) و آن را انجام می‌دهد (مرحله پیاده‌سازی). در مرحله‌های طرح و انتخاب، شخص نه‌تنها آنچه را که قبلاً رخ داده، بلکه آنچه را می‌تواند در آینده رخ دهد، نیز ارزیابی می‌کند. آن رخدادهای آتی، تصویرهای آینده هستند. این فرایند تصمیم‌گیری، یکی از ادعاهای مهم را در آینده‌پژوهی منعکس می‌کند؛ بدان معنا که رفتارهای کنونی هر شخص یا سازمان، بستگی به تصویری

دارد که آن شخص یا سازمان، در ذهن دارد (Olson, 1994: 2).

اما با تمام تفاسیری که گذشت، پاسخ دادن به این سه پرسش، مهم و ضروری می‌نماید؛ چه تعریفی برای تصویرپردازی از منظر آینده‌پژوهی متصور است؟ تصویرپردازی در آینده‌پژوهی چه ویژگی‌هایی دارد؟ جایگاه تصویرپردازی در آینده‌پژوهی چیست؟

در پاسخ به پرسش اول، باید بگوییم با توجه به آنچه از نظر آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی در توصیف و تشریح تصویرپردازی گذشت، تصویرپردازی را می‌توان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در نظر گرفت که آینده را شکل می‌دهد و به طرح‌واره‌هایی اشاره دارد که افراد در ذهن خود می‌پروراند و بر اساس آن، به طرح‌ریزی اقدامات پیش رو می‌پردازند. در واقع، تصویرپردازی ترسیم تصویری مطلوب یا نامطلوب از آینده است که بر مبنای درک و نگرش آینده‌پژوه، صورت می‌گیرد. در پاسخ به پرسش دوم، ویژگی‌های تصویرپردازی در آینده‌پژوهی را با توجه به آنچه گفته شد، از دیدگاه آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی در قالب جدول زیر می‌توان نمایش داد.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های تصویرپردازی در آینده‌پژوهی از دیدگاه آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی

نام آینده‌پژوه/ فیلسوف	ویژگی مطرح شده	نقش عملکردی و ویژگی
رابین	ماهیت نظام‌مند تصاویر آینده	کمک به بشر در تحقق تصویر مثبت و مطلوب از آینده و پیش‌گیری از تحقق آینده منفی و نامطلوب
مرکز جهانی تعالی خدمات عمومی ۲۰۱۴	اختصاص تصویرپردازی به آینده‌پژوهی و نه آینده‌نگاری	چشم‌انداز تصویر ثابتی از آینده
تافلر	تجسمی ذهنی از یک واقعیت بیرونی	اهمیت نقش تصویرپردازی ذهنی در آینده‌پژوهی
بل	نقش تصاویر آینده در هدایت رفتار بشر	طراحی اقدامات اجتماعی
دیتور	علاقه مردم به فهم تصاویر آینده	بروز رفتارها و واکنش‌های متفاوت
گالتونگ	تصویرپردازی اتخاذتصویرموجه از آینده	ابزاری قدرتمند برای تغییر آینده
رابرت جونگک	تصویرپردازی به‌مثابه کارگاه آینده	کمک به مردم در توسعه و ترسیم ایده‌ها و پروژه‌های خلاقانه برای جامع، بهتر
بولدینگ	تصویرپردازی و تعهدآفرینی	ایجاد انگیزه لازم برای تلاش جمعی
ماسینی	توسعه تصویرپردازی از طریق فرایند تعاملی	تحریک جامعه برای دستیابی به آنچه ترسیم شده
لنون	قوة تبدیل جهان به واقعیت	ضرورت تصویرپردازی در پدیدارشناسی و فلسفه ادراک
آلسون	اهمیت درک تصاویر آینده	بخشیدن حس آگاهی و کنترل به مردم

پاسخ به پرسش سوم را بهتر است این گونه مطرح کنیم: از یک سو، اگر قائل به تجربه‌پذیر بودن تصاویر در آینده باشیم و اینکه بخش بزرگی از این تصاویر نیز در آینده تجربه می‌شوند، بر اهمیت تصویرپردازی و خلق تصاویر آینده افزوده‌ایم. از سوی دیگر، اگر تصاویر را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده آینده بدانیم، آنگاه قائل به این شده‌ایم که تصاویر به طرح‌واره‌هایی اشاره دارند که افراد از آینده در ذهن خود می‌پروراند و بر اساس آن، به طرح‌ریزی اقدامات می‌پردازند. اینجاست که کمک به افراد در بررسی و تشریح تصاویر آینده، ایده‌ها، بیم‌ها، امیدها، باورها و انتظارات را در راستای بهبود کیفیت تصمیمات معطوف به آینده، از جمله کارکردها و مأموریت‌های آینده‌پژوهی، قلمداد می‌کند.

افزون بر این موارد، آینده‌پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصاویر خود را از سطح تلاش‌های منفعلانه فراتر برده و به پیش‌نگری آینده معطوف سازند و بر پایه این پیش‌نگری‌ها، طرح‌های اقدامات خود را تدوین کنند و توسعه دهند. به‌عبارت دیگر، ابتدا تصویرپردازی و سپس طرح‌ریزی و اقدام بر پایه این تصاویر، در قلب و کانون آینده‌پژوهی و آینده‌کاوی قرار دارد. از این رو، تصویربرداری را یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی می‌توان در نظر گرفت. در این روش با تکیه بر دانش و تحلیل آینده‌پژوه، تصویر مطلوب یا نامطلوب آینده برای دیگران ترسیم می‌شود؛ ضمن این‌ه اگر تصویرپردازی را در دو مفهوم آینده‌پژوهی و پیش‌بینی در نظر بگیریم، خود را به‌سمت‌وسوی عقلانیت در تصویرپردازی سوق داده‌ایم، چراکه خروجی فرایند آینده‌پژوهی با اصول عقلی و منطقی قابل بررسی و داوری است، درحالی‌که خروجی پیش‌گویی با اصول و یافته‌های عقلانی قابل تحلیل و تعمیم نیست.

پاسخ‌های فوق ما را ملزم می‌سازد تا به نقش و کارکرد تصویرپردازی در آینده‌پژوهی بپردازیم و قرابت تصویرپردازی را با مفاهیم، روش‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی در قالب جدول شماره دو بررسی کنیم.

جدول شماره ۲: قرابت تصویرپردازی با مفاهیم، روش‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی

مفهوم	قرابت با روش‌های آینده‌پژوهی	رویکرد
تصاویر آینده	سناریوهای آینده و سناریوپردازی	واقع‌گرایانه
تأثیر فزاینده بر انگیزش	چشم‌اندازپردازی	انگیزشی
ابزار تغییر	پنل‌های خبرگی	تحولی و برانگیزاننده
توسعه و ترسیم ایده‌ها	کارگاه آینده	توسعه‌ای
خلق تصاویر واضح	پس‌نگری	دموکراتیک
اکتشافات شهودی	خیال‌پردازی	خیالی
شکل‌دهی آینده	ساخت آینده	کنش‌گرایانه
تصور و تعهد	تصمیم‌گیری	باورگرایانه
محرک جمعی	توفان فکری	توسعه‌ای و تعاملی
حس آگاهی و کنترل	تصمیم‌سازی	انتخابی

۲. اعتبار علمی تصویرپردازی از آینده

برای اینکه بفهمیم تصویرپردازی از آینده و گزاره‌هایی که بر مبنای تصویرپردازی از آینده ارائه می‌شوند، چقدر اعتبار علمی دارند، باید ابتدا بررسی کنیم که چگونه به این گزاره‌ها می‌رسیم. برای این مهم، با مرور و ارائه نظرات آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی در باب تولید تصاویر آینده، در راستای تحقق هدف فوق می‌کوشیم.

هر کدام از فیلسوفان و آینده‌پژوهان غربی در مورد تصویرپردازی، با ارائه دیدگاه‌های خود از جهت‌های مختلف و ابعاد گوناگون، به بررسی علمی و فلسفی این موضوع پرداخته‌اند. برای مثال، پوپر خاطر نشان می‌سازد که ما هنوز مجبور به انتخاب هستیم و باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که بهترین پیش‌بینی‌های ما از آینده، روزی امکان تحقق داشته باشند. وی با این بیان، تصویرپردازی را با تحقق پیش‌بینی مطلوب از آینده برابر می‌داند. ساخت الگوهای ذهنی در مورد آینده به‌منظور ایجاد توانایی برای انجام هر عمل یا فعالیتی در انسان، از سوسه‌انگیزترین جنبه‌های این ویژگی است؛ یعنی ایجاد فرضیه و ارزیابی چیزی که قرار است آینده باشد. با این روند، تصویرسازی از آینده نسبتاً ارادی است، اما عناصر نیمه‌خودآگاه را هم در بر می‌گیرد. ما پیش‌فرض‌ها و باورهای عمیقی در مورد تصاویر، چگونه بودن آنها و چگونگی رشد آنها ایجاد می‌کنیم و سپس در مورد چگونه بودن آنها در آینده، نتیجه‌گیری می‌کنیم. بنابراین، در روند تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه‌ها، ما بر این نمونه‌های خودساخته تکیه می‌کنیم (Rubin, 2013: 40).

با این حال، گرایشی در میان فیلسوفان تحلیلی قرن بیستم وجود داشته که ارتباط بین تخیل به‌عنوان خلاقیت و تخیل به‌عنوان تولید تصویر را انکار می‌کردند. فیلسوفان غربی معمولاً «تصور» را چند معنایی می‌دانستند، به‌گونه‌ای که گویی کاربردهای آن مجموعه‌ای از همان‌ها است، که گاهی معادل «تصاویر شکل» (یا تجربه) است، اما در موارد دیگر، «فرض»، «تظاهر»، «باور» یا «خلاقانه فکر کردن» (Sools et al, 2022). وایت^{۳۷} معتقد است اگرچه تنها یک حس «تخیل» وجود دارد، اما هیچ ربطی به تصویرسازی ندارد! در جای دیگر، او یک مورد متقاعدکننده علیه دیدگاه چندمعنایی مطرح می‌کند، اما نمی‌تواند دلیلی برای جدا کردن تخیل از تصویر ایجاد کند. دیدگاه قابل قبول‌تر این است که «تخیل» یک اصطلاح است که کاربرد اولیه (اما نه انحصاری) آن، تولید تصویر است (Törnroth et.al., 2022).

تردیدی وجود ندارد که فلاسفه غربی تخیل را در مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب قوای نفس قرار می‌دهند و به‌وضوح فکر می‌کنند که تصورات ذهنی و خلاقیت، با یکدیگر ارتباط دارند (Warnock, 1976; Robson, 1986; Brann, 1991). مطمئناً تصادفی نیست که این دیدگاه‌ها چنین وتر ماندگاری را در ذهن فلاسفه غربی معاصر و اصلااب ایشان رقم زده است (Finke et.al., 1992; Weisberg, 1986).

فلاسفه سستی غربی در باب تصویر، ادعا داشتند که چگونه ممکن است چیزهایی را که هرگز ندیده‌ایم، تصور کنیم؛ یعنی از طریق جداسازی و ترکیب مجدد بخش‌هایی از تصاویر، تصویری را که از حافظه گرفته شده است، خلق کنیم؟ ماتثو (Matthews, 1969) به‌طرزی تحقیرآمیز، این را «نجاری ذهنی»^{۳۸} می‌نامد. این

فلاسفه معتقد بودند می‌توانیم یک شخصیت مانند ابوالهول را تصور کنیم، مثل برداشتن سر از روی تصویر یک انسان و چسباندن آن به بدن تصویر یک حیوان. به همین ترتیب، فناوری‌های مدرن‌تر نشان می‌دهند که ممکن است بتوانیم تصاویر ذهنی خود را تغییر شکل دهیم، کشش دهیم، له کنیم و اجزای آنها را به شکل‌های جدیدی خم کنیم. بدون شک، ما واقعاً می‌توانیم به نوعی ویژگی‌های تصویر خود را جدا، در هم ریخته، تحریف و دوباره ترکیب کنیم و بدون شک این توانایی کاربردهای شناختی خود را دارد (Finke et.al., 1989; Finke et.al., 1992).

به سستی می‌توان این قضیه را پایه‌اساسی خلاقیت هنری و علمی دانست. خلاقیت هنری ابداع صرف نیست و به یقین به تغییر (یا تحریف) تکه‌هایی از نسخه‌های برداشت‌های حسی سابق نمی‌رسد؛ شاید به این دلیل که به نظر می‌رسد نظریه تصویر چیز بیشتری برای ارائه ندارد و از آنجاکه تا همین اواخر (در مقیاس زمانی فلسفی) نظریه تصویر تنها نظریه تصویری جدی بود، زیبایی‌شناسان در مورد ایجاد هر گونه پیوند عمیق بین تصویرسازی و خلاقیت، شک کرده‌اند. تخیل ظرفیت اولیه برای تشکیل تصاویر و درواقع، ادراکات بود و نقش آن در خلاقیت هنری «ثانویه» بود. درواقع، این مبحث اساس دریافت و درک فلسفی سستی از تخیل بود که از کانت سرچشمه می‌گرفت (Nussbaum, 1978). متأسفانه، هیچ‌کس از ارسطو به بعد، هرگز نتوانسته بود هیچ توضیح طبیعت‌گرایانه‌ای از چگونگی کارکرد این ظرفیت ترکیبی و معناآفرین شگفت‌انگیز، ارائه دهد. حداقل کانت این واقعیت را پذیرفت. او آن را «هنر پنهان» توصیف کرد.

فرد پولاک می‌گوید «ما معتقدیم که بعد از زمان آینده است که به‌عنوان نیرویی دائماً پویا در کارکرد تصاویر نقش دارد». «تصاویر آینده همیشه از منبع اشرافی هستند». ترسیم‌کننده تصاویر در همه موارد، اقلیت خلاق یک جامعه است. این اقلیت در نظر سقراط، رامبران، فیلسوفان غربی سستی و نزدیک‌تر به روزگار ما، فلاسفه جدید غربی چون هنری برگسون و اچ. جی. ولز^{۳۹} گام بر می‌دارد. شکل‌گیری تصاویر آینده بستگی به یک آگاهی از آینده دارد که انتخابی، هوشیارانه، داوطلبانه و مسئولیت‌پذیرانه میان چند جایگزین را ممکن می‌ازد. این بدین معنی است که توسعه تصاویر آینده و اخلاق، دقیقاً به هم مرتبط‌اند. قضاوت‌های انسانی را می‌توان تا حد زیادی در مورد تلاش برای رسیدن به هدفی ارزشمند در آینده توضیح داد. توسعه اخلاقیات و فلسفه اخلاق یکی از ابعاد توسعه فنون برای تصویرپردازی و کنترل آینده است و تصویر آینده بیشترین نیروی پیش‌برنده‌اش را از اخلاق دریافت می‌کند. اخلاقیات کانت به‌طور خلاصه، دسته‌بندی‌های او از امور، کل حوزه «باید» (باشد) و «هست» و «واقعیت» در برابر «ارزش»، همه بر اساس بعد، زمانی هستند که تاکنون به‌طور شفاف تعریف نشده است. می‌توان آنها را به‌نحو مؤثر به زبان تصویر آینده ترجمه کرد. همه آنها بیان‌گر فلسفه اساسی آن چیزی هستند که ما آن را تأثیر خوش‌بینی می‌نامیم. انسان در فرایند توسعه اخلاق، دیگر آن انسان گسسته که قادر به تقسیم ادراکش به دو قلمرو است، نیست. او اکنون «انسان اخلاقی» می‌شود که مسئول استفاده از ادراک و قدرتش برای رسیدن به دیگر و بهتر است. در این نقطه تصویر مثبت آینده در اشکال کلاسیک خود یکی از

ابزارهای اصلی فرهنگ می‌شود، که هم تصویری از تمدن و هم ابزار لازم را برای تحقق آن تصویر، ارائه می‌کند. نیرویی که محرک تصویر آینده است، فقط تا قسمتی منطقی و عقلانی است؛ بخش عمده آن احساسی، زیبایی‌شناختی و معنوی است. جذبه تصویر در نشان دادن جهانی اساساً متفاوت در زمانی دیگر است. فلاسفه غربی به طرق مختلف این امر را فرار از واقعیت، سازوکار جبران خسارت و نگاهش می‌دانند. نیروهای اصلی تاریخ از طریق نظام تولید، یا قدرت صنعتی و نظامی پیش نمی‌روند، بلکه با ایده‌های نهفته، آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی که موفق به جذب توده‌ها می‌شوند، پیش می‌روند. یک بر نهاد اصلی این اثر است که برای نخستین بار در طول تاریخ سه هزار سال گذشته تمدن غرب، از دست رفتن شدید ظرفیت نوسازی تصاویر آینده رخ داده یا خواهد داد. امروز قریب‌الوقوع، دارای نشانه‌های سازنده تصویر معدود و اندکی است و هیچ تصویر آرمانی که مورد پذیرش عموم باشد، وجود ندارد. یک انقباض زمان‌آگاهی^{۴۰} حال لحظه‌ای و یک حس ویژه محوشونده از آینده، بر دنیای غرب حاکم است (Polak, 1973).

آنچه امروز در جامعه انجام می‌شود، واقعیت‌های فردای جامعه را می‌سازد. از این رو، امروز سرنوشت آیندگان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفهوم تصویر آینده، ایده‌ای است که شکل‌دهنده ساختار رو به رشد است و انتظارات، پیش‌بینی‌ها، بیم‌ها و امیدها را در بر دارد؛ ضمن اینکه به منزله مقوله‌ای نظری است و بر این باور دلالت می‌کند که تصویرهای آینده به شکل‌گیری اقدام‌های تاریخی افراد کمک کرده‌اند (Bell, 2004).

از دیدگاه آینده‌پژوهانه، منظور از تصویر به‌شکلی ساده، تصویری کلامی است، مانند تصویر عکس‌برداری. در تصویر کلامی جنبه خاصی از جهان در معرض دید قرار می‌گیرد و جنبه‌های دیگر آن، حذف می‌شوند. تصویرگذاری مستدل نیست، بلکه به وجوهی مهم از پدیده اشاره می‌کند، یا از آن خبر می‌دهد. هر تصویر بخش قابل ملاحظه‌ای از تفسیر را بر دوش خواننده و تحلیل‌گر می‌گذارد. نقش و اهمیت تصویر در ساخت آینده مستلزم اتخاذ راهبردی ویژه است که بتواند عناصر را با خود هم‌نوا سازد. تحقق این مهم مستلزم تصویرپردازی از آینده است؛ به این صورت که با ایجاد بصیرتی درباره آینده، تصویری حقیقی از آینده مطلوب، ارائه دهد یا بینشی طراحی شده را از وضع مطلوب، ترویج کند تا چشم‌اندازی القایی بر آینده تحمیل شود. تأکید بر تأثیر تصویر از سوی نظریه‌پردازان پساساختارگرایی نیز مطرح شده است. تصویرپردازی اغلب در راستای القاء معنا و مفهوم خاص درباره آینده انجام می‌شود (Derian, 2009).

نقد مستمر موجب بازبینی سیستم تصویرپردازی و اصلاح آن می‌شود. گزاره‌های صادق، مستحکم و گزاره‌های باطل، نیست می‌شوند و گزاره‌های احتمالی، همچنان در انتظار آزمون باقی می‌مانند. در این رویکرد، همه گزاره‌ها به سیستم اندیشه‌های صدق و کذب وارد می‌شوند. در نهایت، برخی از این تصاویر، رد و بایگانی می‌شوند، اما در سیستم جستجوی گزاره‌ها محفوش می‌مانند. بعضی نیز تأیید می‌شوند و قطعه‌ای را از تصاویر آینده شکل می‌دهند. برخی در حالت احتمال مانده، تا زمان مورد اعتنا بودن در طراحی تصویر آینده، همچنان در حالت احتمالی باقی می‌ماند تا در محک آزمون‌های بعدی به اعتبار یا ابطال برسد (Kerlinger, 1986).

بر اساس آنچه در این بخش گذشت و با توجه به مطالب مطرح شده در بخش‌های قبلی این پژوهش در مورد مرور و ارائه نظرات آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی درباره تولید تصاویر آینده، به‌طور کلی می‌توان گفت این تصاویر به سه روش تولید می‌شوند:

(الف) بر مبنای بررسی روندهای حال و گذشته (تجربه‌گرایانه)؛

(ب) بر مبنای تحلیل‌های عقلی و منطقی (عقل‌گرایانه)؛

(ج) بر مبنای تخیل فرد و ارزش‌ها، شهود و معنویات درونی او.

در ادامه، بر پایه نظریه واقع‌گرایی انتقادی^{۴۱} به بررسی اعتبار علمی سه نوع تصویر فوق می‌پردازیم. واقع‌گرایی انتقادی عنوان رویکردی در فلسفه علم است که متأثر از آراء نویسندگان انگلیسی‌زبانی، همچون رام هره،^{۴۲} مری هسه^{۴۳} و روی باسکار^{۴۴} در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود، در بحث ماهیت علم طبیعی و موضوع مطالعه آن، توسعه یافته و با کوشش‌های فکری افرادی چون راسل کیت،^{۴۵} اندرو سایر،^{۴۶} جان آوری^{۴۷} و تد بتسون^{۴۸} به‌منزله رویکردی روش‌شناختی وارد علوم اجتماعی شد (Mulkay, 1979).

واقع‌گرایی انتقادی یکی از نظریه‌های پس‌پساپوزیتیویستی (یا پساکوهنی) است. این نظریه، بدون دست کشیدن از باورهای موجه در صدق گزاره‌ها، اساساً برای دانش ماهیتی برگمانه‌زنی قائل است؛ به‌همین دلیل، برای پژوهش‌ها و مطالعات آینده‌پژوهی کاملاً مناسب است. واقع‌گرایی انتقادی می‌تواند هر دو نوع گزاره صادق مطرح در آینده‌پژوهی، یعنی گزاره‌های صادق مربوط به گذشته و حال و گزاره‌های صادق مربوط به آینده را (که شواهدی از آن در دست نیست) در قالب فلسفه علمی یکسان جای دهد. واقع‌گرایی انتقادی برخلاف پساپوزیتیویسم، از یکسو وجود واقعیت را به‌عنوان پیش‌فرض پذیرفته و از سوی دیگر، معتقد است می‌توانیم بسیاری از دیدگاه‌های خود را درباره این واقعیت بیازماییم و تعیین کنیم که احتمال درستی آنها بیشتر است یا احتمال نادرستی آنها. البته واقع‌گرایی انتقادی می‌پذیرد که علم در ذات خود کمابیش فرضی و متکی بر قضاوت‌های کیفی است. اجتناب از پیش‌فرض‌ها امکان‌پذیر نیست. علم فرایندی است اجتماعی و دخل و تصرف در پدیده‌ها به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان کارآمدی معرفت، بر تطابق محض زمانی و مکانی تقدم دارد. گاه پذیرفتنی بودن، بهترین نتیجه ممکن در قلمرو علم است. به‌علاوه، این نتیجه را می‌توان با شیوه‌های گوناگون به‌دست آورد و با روش‌ها، سنجش‌ها و رویکردهای گوناگون، تقویت کرد. علم به‌نوآوری، رؤیاپردازی، شهود و بصیرت نیز نیازمند است و سرانجام، علم عدم قطعیت‌ها را به‌رسمیت می‌شناسد.

با توجه به اینکه واقعیت در مکتب واقع‌گرایی انتقادی لایه‌بندی‌شده و دارای سطوح گوناگون است، از این رو در این مکتب فلسفه علم، روش‌های آینده‌نگری مبتنی بر سیستم لایه‌ای تصاویر بنا نهاده شده‌اند. رئالیسم انتقادی تلاش می‌کند میان شرایط عینی یا همان تبیین، و تفهیم یا همان معنا، در ذهن کنشگران ارتباط برقرار کند و پلی بزند تا از تصاویر مختلف ایجادشده، رمزگشایی نماید. تصویرپردازی بر پایه واقع‌گرایی انتقادی راهی برای نفوذ به تصاویر آینده است که در آن چیزی بر آینده تحمیل نمی‌شود، ولی در رویکردی

عدالت‌گرا، مشارکت‌جو و دموکراتیک، انواع سلاقی سالم و غیرمزاجی بر مبنای دانش نسبتاً قطعی مورد توجه قرار می‌گیرند (Kerlinger, 1986).

حال که توضیحات کلی دربارهٔ نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی مطرح گردید، با اتکا به این نظریه، می‌توان اعتبار علمی سه دسته گزارهٔ تولید شده در تصویرپردازی آینده (الف، ب و ج) را به صورت زیر بررسی نمود:

دستهٔ الف) دستهٔ اول را که تصاویر تولیدشده با رویکرد تجربه‌گرایانه هستند، می‌توان بر پایهٔ واقع‌گرایی موجود در نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی توجیه کرد و این تصاویر را دارای اعتبار علمی دانست. در توضیح این مطلب، توجه به این نکته ضروری است که نقطهٔ عزیمت واقع‌گرایی انتقادی، نقد دو مکتب هرمنوتیک و پوزیتیویسم است. اولی، واقعیت مستقل از ذهن را نفی می‌کند و دومی، آن را به پدیده‌های مشاهده‌پذیر یا همان تجربه‌گرایی محض، تقلیل می‌دهد. البته واقع‌گرایی انتقادی، تجربه‌گرایی مبتنی بر واقعیات طبیعی موجود را رد نمی‌کند، بلکه در کنار آن، استدلال‌های منطقی-عقلی را مبنای توجیه گزاره‌ها قرار می‌دهد. چون روندپژوهی و استخراج تصاویر آینده بر پایهٔ روندهای تجربه‌شده در گذشته، مبنای تجربه‌گرایانه دارد، تجربه‌گرایی در نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی مقبولیت دارد. می‌توان بر مبنای این نظریه، مقبولیت و اعتبار علمی گزاره‌های دستهٔ الف را توجیه کرد و ادعا نمود که این دسته از تصاویر آینده بر اساس نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی، دارای اعتبار علمی هستند.

دستهٔ ب) دستهٔ دوم از تصاویر تولیدشده دربارهٔ آینده نیز با تکیه بر رویکرد انتقادی موجود در نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی، قابل توجیه و دارای اعتبار علمی هستند. این بدان معنا است که در نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی، عناصری از درستی و نادرستی در حوزهٔ استدلال منطقی وجود دارد که امکان نقد و داوری عقلانی محور را در مباحث مربوط به تصویرپردازی فراهم می‌آورد که در وجه ناپایدار و اجتماعی علم و عقلانیت داوری‌کننده از منظر ذاتی علم در دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی آن را توجیه می‌کند.

دستهٔ ج) دستهٔ سوم از تصاویر آینده را نمی‌توان از نظر علمی موجه کرد و فاقد اعتبار علمی هستند. البته این نوع از تصاویر در مقام تولید گزاره دربارهٔ آینده مفیدند، ولی در مقام توجیه گزاره، فاقد وجهت علمی هستند. از منظر واقع‌گرایی انتقادی، گزاره‌های علمی در مقام نقد، یا بر پایهٔ تجربه توجیه می‌شوند یا بر پایهٔ تحلیل‌های عقلی و منطقی. بنابراین گزاره‌هایی که در تصویرپردازی دستهٔ سوم ارائه می‌شوند، مرجعی موقوت برای استدلال و توجیه ندارند، زیرا نه مبنای عقلی دارند و نه مبنای تجربی، بلکه بر پایهٔ شهود و تخیلات فردی تولید شده‌اند. اما این مطلب به معنای فروکاستن از ارزش و جایگاه این نوع از تصاویر در آینده‌پژوهی نیست، چراکه در فلسفهٔ علم، گزاره‌ها از دو منظر بررسی می‌شوند؛ در مقام «توجیه» و در مقام «تولید». تصاویر دستهٔ سوم اگرچه در مقام توجیه ارزشمند نیستند، ولی در مقام تولید گزاره دربارهٔ آینده، مفید هستند. فلاسفهٔ غربی در قرون گذشته (اثبات‌گرایان) قائل به تولید گزاره‌های علمی بر اساس تجربیات حسی بودند و خاستگاه اصلی گزاره‌های علمی را تجربه می‌دانستند، ولی امروزه این دیدگاه مقبولیت خود را از دست داده است و علاوه بر نظریهٔ واقع‌گرایی انتقادی، حتی برخی تجربه‌گرایان امروزی نیز در مقام تولید گزاره‌های علمی، قائل به خاستگاه غیرتجربی و مبتنی بر ذهن‌گرایی

هستند. پر واضح است که این مطلب، مهر تأییدی بر اهمیت و جایگاه پررنگ تصاویر دسته سوم در تولید گزاره‌های علمی در آینده پژوهی است، و البته نه در مقام توجیه آنها.

نتیجه

این پژوهش در پی پاسخ دادن به سه پرسش مهم بود: تصویرپردازی از منظر آینده‌پژوهان و فیلسوفان غربی دارای چه مفهومی است؟ تصویرپردازی در آینده‌پژوهی چه جایگاهی دارد؟ آیا تصویرپردازی در آینده‌پژوهی دارای جاهت و اعتبار علمی است؟

در پاسخ به پرسش اول، کوشیدیم با بهره‌گیری از نظر آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی، مفهوم تصویرپردازی را در قالب جدول شماره دو تشریح و تعریف کنیم. چنانکه در جدول مذکور دیدیم، قرابت تصویرپردازی با مفاهیم، روش‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی از منظر آینده‌پژوهان و فلاسفه غربی در قالب مفاهیمی همانند تصاویر آینده، تأثیر فزاینده بر انگیزش، ابزار تغییر، توسعه و ترسیم ایده‌ها، خلق تصاویر واضح، اکتشافات شهودی، شکل‌دهی آینده، تصور و تعهد، محرک جمعی، حس آگاهی و کنترل تبیین و تعریف شده، که این امر، گستردگی کاربرد مفهومی این واژه را در نظر فلاسفه و آینده‌پژوهان غربی نشان می‌دهد.

در پاسخ به پرسش دوم، تلاش شد در جدول شماره یک با مطرح نمودن ویژگی‌های تصویرپردازی در آینده‌پژوهی، جایگاه آن را در این حوزه، در قالب عباراتی همانند کمک به بشر در تحقق تصویر مثبت و مطلوب از آینده و پیش‌گیری از تحقق آینده منفی و نامطلوب ترسیم کنیم. سپس در ادامه، جایگاه تصویرپردازی در طراحی اقدامات اجتماعی و بروز رفتارها و واکنش‌های متفاوت به‌عنوان ابزاری قدرت‌مند برای تغییر آینده و کمک به مردم در توسعه و ترسیم ایده‌ها و پروژه‌های خلاقانه برای جامعه بهتر با ایجاد انگیزه لازم برای تلاش جمعی و تحریک جامعه در راستای دستیابی به آنچه ترسیم شده، از طریق ضرورت تصویرپردازی در پدیدارشناسی و فلسفه ادراک آن که موجب اعطاء حس آگاهی و کنترل به مخاطبان می‌گردد، توصیف گردید.

برای پاسخ به پرسش سوم، تصاویر آینده از منظر کشف، به سه دسته تصاویر مبتنی بر تعمیم روندهای حال و گذشته (تجربه‌گرایانه)، تصاویر مبتنی بر تحلیل‌های عقلی و منطقی (عقل‌گرایانه) و تصاویر مبتنی بر تخیل، شهود، ارزش‌ها و معنویات درونی، تقسیم گردید. سپس بر اساس نظریه واقع‌گرایی انتقادی که هم واقعیت فیزیکی موجود در جهان هستی و آزمون‌های تجربه‌گرایانه را مقبول می‌دارد و هم نقد عقلی و منطقی گزاره‌ها را مبنایی برای توجیه می‌داند، تصاویر دسته اول و دسته دوم به‌عنوان گزاره‌هایی موجه در مورد آینده شناخته شدند که می‌توان آنها را دارای جاهت و اعتبار علمی دانست. اما دسته سوم از تصاویر آینده، از آنجا که فاقد مبنای تجربی یا عقلی هستند، از منظر نظریه واقع‌گرایی انتقادی قابل توجیه نیستند و نمی‌توان آنها را دارای اعتبار علمی دانست. اگرچه تصاویر دسته سوم، در «مقام توجیه» اعتبار علمی ندارند، ولی این به‌معنای فقدان ارزش‌مندی این تصاویر در آینده‌پژوهی نیست و می‌توان آنها را در «مقام تولید» و کشف گزاره‌هایی خلاقانه در مورد آینده، ارزش‌مند دانست.

در پایان باید گفت: تصویرپردازی فرایندی اجتماعی با سابقه‌ای طولانی است و وجود یک تصویر درست در ساحت بین‌الادّهانی اجتماع، می‌تواند نیروی فرهنگی لازم را برای ساخت آینده مطلوب خلق کند. در واقع، تصاویر آینده مقوله‌هایی فرهنگی هستند که می‌توانند کشش آینده را در ساخت واقعیت‌های اجتماعی جاری وارد کنند. با اینکه پژوهش حاضر سعی داشته به مفهوم، جایگاه و اعتبار علمی تصویرپردازی از آینده بپردازد، اما به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند موضوعی جذاب برای پژوهش‌های آتی در این‌باره باشد: آیا تصاویر آینده باید از خرد جمعی ناشی شوند یا باید آنها را نخبگان جامعه تعیین کنند و به جامعه القاء نمایند؟ در سطح بین‌المللی و حتی ملی، آیا می‌توان مردم را با نژادها، فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون، صرفاً برای رسیدن به تصویری آرمانی از آینده هم‌مقصد و همراه کرد؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که بستر این پژوهش را با موضوعات پژوهشی جدید در آینده، باز می‌گذارند.

یادداشت‌ها

1. Possible Futures
2. Probable Futures
3. Preferable Futures
4. Wild Cards
5. Image
6. Idea
7. Model
8. Theory
9. Metaphor
10. Global Centre for Public Service Excellence, 2014.
11. Imagination
12. Imaging
13. Visioning
14. Events
15. Trends
16. Actions
17. Van Der Helm
18. Masini
19. Galtong
20. Robert Jungk
21. Boulding
22. Backcasting
23. Latham
24. Lindgren
25. Bandhold
26. Structuration theory
27. Anthony Giddens
28. Hill Broner
29. Charlz Hendi
30. Coleridge
31. John McDowell
32. Lacan
33. Castoriadis
34. Irigaray
35. Gatens
36. Lloyd
37. Witt
38. Mental Carpentry

39. H. J. Velze
40. Time-Consciousness
41. Critical Realism
42. Ram Hereh
43. Meri Heseh
44. Roy Baskar
45. Rasel Kit
46. Androo Sayer
47. John Avri
48. Ted Bently

منابع

- Adelson, M. & Aroni, S. (1975). Differential images of the future. in *The Delphi method-techniques and applications*. edited by H. Linstone and M. Turoff. pp. 433-462. Massachusetts: Addison-Wesley Publishing Company.
- Astrid, C. & et.al. (2022). Picture the future, play the present: re-imagining sustainable cities through a large-scale location-based game. *Futures*. Issue 135, 102858.
- Bell, W. (2004). *Values, objectivity and the good society*. Vol. II of *Foundations of futures Studies: Human Science for a New Era*. USA and London: New Burns wick.
- (2005). Creativity, skepticism, and visioning the future. *Futures*. vol. 37, no. 5, pp. 429-432.
- Bodinet, J. C. (2016). Futures of Hope: the importance of positive futures images at the community college level. *World Futures Review*. vol. 8, no. 4, pp. 172-179.
- (2018). The image today: field-notes on the interdisciplinary use of the visioning workshop. *World Futures Review*. vol. 10, no. 3, pp. 213-218.
- Brann, E. T. H. (1991). *The world of the imagination: sum and substance*. Maryland: Row man & Littlefield.
- Brett, R. L. (1960). *Fancy & imagination*. London: Routledge.
- Bussey, M. (2014). Concepts and effects: ordering and practice in foresight. *Foresight*. vol. 16, no. 1, pp. 1-16.
- Cecilia L. C. (2015). Spectacular Macau: visioning futures for a World Heritage City. *Geoforum*. Issue 65, pp. 440-450.
- Dator, J. (2016). Introduction; the future lies behind-thirty years of teaching futures studies. in J. Dator (Ed.). *Advancing Futures*. Pp. 1-30. Praeger: Westport CT.
- Derian, J. D. (2009). *Virtuous war: mapping the military-industrial media entertainment network*. London: Routledge.
- Finke, R. A.; Pinker, S. & Farah, M. J. (1989). Reinterpreting visual patterns in mental imagery. *Cognitive Science*. No.13, pp. 51-78.
- Finke, R. A.; Ward, T. B. & Smith, S. M. (1992). *Creative cognition: theory, research, and applications*. Cambridge: MIT Press.
- Global Centre for Public Service Excellence (2014). *Foresight as a Strategic Long-Term Planning Tool for Developing Countries*. Singapore: Global Centre for Public Service Excellence.
- Grindle, S. M. (2017). Good governance, R.I.P: a critique and an alternative. *Governance*. vol. 30, no. 1, pp. 17-22.
- Hoversten, M. E. & Swaffield, S. R. (2019). Discursive moments: Reframing deliberation and decision-making in alternative futures landscape ecological planning. *Landscape and Urban Planning*. vol. 182, pp. 22-33.
- Jokinen, L. & et.al. (2022). Creating futures images for sustainable cruise ships: insights on collaborative foresight for sustainability enhancement. *Futures*. Issue 135, 102873.
- Kerlinger, F. N. (1986). *Foundations of behavioral research*. New York: Holt, Rinehart and Winston.

- Lennon, K. (2015), *Imagination and the imaginary*. London: Routledge.
- Masini, E. B. (2012). Prospectiva e innovación [Futures studies and innovation]. E. Bas & M. Guilló (eds.), *Visiones [Visions]*, vol. 1, Plaza Valdés, Futures Collection.
- (2002). A vision of futures studies. *Futures*. vol. 34, no. 3, pp. 249-259.
- Matthews, G. B. (1969). Mental copies. *Philosophical Review*. Issue 78, pp. 53-73.
- Morgan, D. R. (2015). The dialectic of utopian images of the future within the idea of progress. *Futures*. Issue 66, pp. 106-119.
- Mulkay, M. (1979). *Science and the Sociology of Knowledge*. London: Routledge.
- Munroe, M. (2003). *The principles and power of vision, keys to achieving personal and corporate destiny (study guide)*. Michigan: Whitaker House.
- Negri, M. (2011). Imaging philosophy. *Bulletin of Tomsk State University, Philosophy, Sociology, Political science*. vol. 1, no. 2.
- Neuvonen, A. & Ache, P. (2017). Metropolitan vision making-using back casting as a strategic learning process to shape metropolitan futures. *Futures*. Issue 86, pp. 73-83.
- Nussbaum, M. C. (1978). The role of Phantasia in Aristotle's explanation of action. in *Aristotle's De Motu Animalium*, pp. 221-269.
- Olson, R. (1994). Alternative images of a sustainable future. *Futures*. vol. 26, no. 2, pp. 156-169.
- Ono, R. (2003). Learning from young people's image of the future: a case study in Taiwan and the US. *Futures*. Issue 35, pp. 737-758.
- Polak, F. L. (1973). *The image of the future*. Elsevier Scientific Publishing Company.
- Rasa, T. & Laherto, A. (2022). Young people's technological images of the future: implications for science and technology education. *European Journal of Futures Research*. vol. 10, no. 4.
- Robson, J. (1986). Coleridge's images of fantasy and imagination. in D. G. Russell, D. F. Marks & J. T. E. Richardson (eds.). *Imagery 2: proceedings of the 2nd International imagery conference*, pp. 190-194.
- Rubin, A. (1998). *The images of the future of young Finnish people*. Turku: Publications of the Turku School of Economics and Business.
- (2013). Hidden, inconsistent, and influential: images of the future in changing times. *Futures*. vol. 45, pp. 538-544.
- Sardar, Z. (2014). *Future: all that matters*. London: McGraw-Hill Education.
- Slaughter, R. M. (2002). Futures studies as a civilizational catalyst. *Futures*. Issue 34, pp. 349-363.
- Sliuzas, R. (2015). Urban futures: Multiple visions, paths and construction. *Habitat International*. Issue 46, pp. 223-224.
- Son, H. (2014). Analysis of reasons and countermeasures for the necessity of alternative futures discourses in South Korea. *Futures*. vol. 55, pp. 1-14.
- Sools, A.; Groot I. D.; Coppers. J. & Triliva, S. (2022). Young people's situated capacity to imagine a desired post-pandemic future: a qualitative methodology for assessing futures consciousness. *Futures*. Issue 144, 103045.
- Törnroth, S.; Day, J.; Fürst, M. F. & Mander, S. (2022) Participatory utopian sketching: a methodological framework for collaborative citizen (re) imagination of urban spatial futures. *Futures*. Issue 139, 102938.
- Toumas, K. & Irene, K. (2015). Rural futures in developed economies: the case of Finland. *Technological Forecasting and Social Change*. vol. 101, pp. 366-374.
- Warnock, M. (1976). *Imagination*. London: Faber & Faber.
- Weisberg, R. (1986). *Creativity: Genius and other myths*. New York: Freeman.